

**موضوع:** كتاب الإجارة/أركان الإجارة /معنای لغوی و اصطلاحی إجاره

تذکر: در طلیعه‌ی سال تحصیلی جدید خیر مقدم و سلام و ارادت داریم خدمت شما مشتاقان علم و فضیلت؛ متأسفانه مدّت‎هاست که به جهت شیوع ویروس منحوس کرونا توفیق برگزاری جلسات درس را به صورت حضوری از دست داده‌ایم؛ البته این مشکلی است که تمام انسان‌ها در تمام جهان گرفتار آن شده‌اند و روال عادی زندگی همه تحت تأثیر قرار گرفته است، از درگاه پروردگار عالم عاجزانه مسئلت داریم به حق رسول گرامی اسلام(ص) و به حق اهل بیت با فضیلت و با کرامت آن حضرت این بلیه از سر تمام مسلمین مخصوصا شیعیان امیرالمؤمنین(ع) و بالخصوص ملت ایران و همه‌ی ما برطرف بشود و إن شاء الله آن امنیت سابق برگردد.

موضوع بحث درسی امسال: خدای متعال را شاکر هستیم که امسال نیز توفیق شد بحث دیگری از مباحث فقهی را در خدمت شما عزیزان باشیم، در طی این سال‌ها مباحث مختلفی بیان شده است، از جمله کتاب القضاء، کتاب الشهادات، کتاب الحدود، کتاب القصاص، کتاب الدیات، امر به معروف و نهی از منکر، کتاب الخمس، کتاب الزکاة که به طور مفصل هم در زکات مال و هم در زکات بدن مورد بحث قرار گرفت و آخرین بحث کتاب الجهاد بود، برای موضوع درس امسال مردد بودیم که چه بحثی را انتخاب کنیم؛ در مشورتی که با برخی شما عزیزان داشتیم انتخاب موضوع را به عهده‌ی این جانب گذاشتید و برخی چنین نظری داشتند که مباحث فراوانی است که موضوع درس واقع نشده‌اند از بین این مباحث برخی طولانی است و حوصله درس اجازه مباحث خیلی مفصل را نمی‌دهد؛ کتاب‎هایی مانند صلاة، حج، بیع، نکاح و طلاق مورد بحث ما قرار نگرفته است این موضوعات شاید هر کدام چند سال طول بکشد بنا بر این شده است که از کتاب‌های فقهی کم حجم موضوعاتی انتخاب شود، کتاب‎های کوچک مطرح شده در تحریر الوسیله‌ی امام(ره) از این قرار است؛ کتاب الرهن، کتاب الحجر، کتاب الحوالة، کتاب الکفالة، کتاب الإقرار، کتاب الهبة، کتاب الوکالة، کتاب الوقف، کتاب الوصیة، کتاب الإجارة و ... این کتاب‎ها کتاب‌های فقهی است که ظاهراً حجم مفصلی ندارند اگر چه فی نفسه مباحث مهم و ضروری و مبتلاء به را مطرح نموده‎اند.

برای ما این امکان است که یکی از مباحث را انتخاب کنیم و موضوع درس قرار دهیم؛ من اجمالاً مباحث را مورد بررسی قرار دادم و به نظرم رسید که کتاب الإجاره از همه‌ی کتاب‎ها مختصر است و بسیار مورد ابتلاء همگان، مخصوصا شما طلبه‌ها در إجاره کردن و إجاره دادن یکی از موارد مبتلاء به شما موضوع إجاره است؛ برخی قواعد بکار رفته در کتاب الإجاره طوری است که قابل توسعه است و امکان استفاده در سایر موضوعات را نیز دارد یعنی حکم به کار رفته در باب إجاره قابل تعدّی و تسری به سایر ابواب فقهی نیز است، مثلا اگر کسی خانه‌ی خود را به مدّت یک سال إجاره داد آیا مالک به جهت مشکلی که برایش ایجاد شده إجازه دارد این خانه را در حالی که منفعت آن در اختیار مستأجر است در معرض فروش قرار دهد؟ یا مثلاً اگر مالک، منفعت خانه را به قیمت ده هزار تومان ماهیانه به مستأجر اول اجاره دهد و مستأجر دیگری پیدا شود و حاضر باشد به مبلغ دو برابر این خانه را إجاره کند آیا مستأجری که مالک منفعت این خانه است إجازه دارد بدون اطلاع مالک این خانه را به إجاره مستأجر دوم در آورد؟

علی أیّ حال بحث إجاره، قواعد فراوانی دارد که قابلیت تسری به سایر أبواب فقهی را دارد و از طرفی کتاب کم حجم و مورد ابتلائی است و به همین جهت موضوع مناسبی برای انتخاب درس می‌باشد هر چند که اگر دوستان نکته‌ای برای انتقاد دارند استقبال می‌کنیم ولی به نظر می‌رسد تردید را کنار بگذاریم و با توکل بر خدای متعال این موضوع را به عنوان موضوع درسی خودمان شروع کنیم.

بحث اخلاقی: از باب تیمن و تبرک قبل از شروع درس در باب فضیلت علم روایتی را نقل می‎کنیم:

مرحوم علامه مجلسی در کتاب مرآة العقول به نقل از کتاب کافی از مرحوم کلینی این روایت را نقل می‎کند: «علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن حماد بن عثمان، عن الحارث بن المغيرة النصري، عن أبي عبد الله عليه‌السلام في قول الله عز وجل ﴿إِنَّما يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ﴾[[1]](#footnote-1) قال يعني بالعلماء مَن صدَّقَ فعلُه قولَه ومَن لم يصدق فعلُه قولَه فليس بعالم.»[[2]](#footnote-2)

کلام علامه مجلسی در توضیح حدیث: «الحديث الثاني: صحيح. قوله تعالى ﴿إِنَّما يَخْشَى اللهَ﴾ صريح الآية أن الخشية لا يصدر من غير العالم لكن يدل بحسب السياق أن الخشية من لوازم العلم لا تنفك عنه و عليه بناء الخبر كما تدل عليه الأخبار.

قوله عليه‌السلام: من صدق فعله، قيل: المراد بمن صدق فعله قوله من يكون ذا علم ومعرفة ثابتة مستقرة، استقرارا لا يغلبه معه هواه و المعرفة الثابتة المستقرة كما تدعو إلى القول و الإقرار باللسان تدعو إلى الفعل والعمل بالأركان، والعالم بهذا المعنى له خشية من ربه تؤديه إلى الإطاعة والانقياد قولا وفعلا.»[[3]](#footnote-3)

بیان استاد: همان طور که مرحوم علامه فرموده‌اند این حدیث صحیحه است یعنی سند آن معتبر و صحیح می‌باشد؛ وقتی از امام صادق(ع) از تفسیر آیه ﴿إِنَّما يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ﴾ سؤال شد حضرت در جواب فرمودند: در این آیه مقصود از عالمی که خشوع واقعی را برای خدا دارد عالمی است که رفتار و عمل او تصدیق کننده‌ی گفتارش باشد و إلا نام چنین کسی را نمی‌توان عالم گذاشت.

مرحوم علامه در تفسیر این آیه کریمه می‌فرماید: این آیه صریح است در نفی خشوع از غیر عالم در مقابل خدا، لکن سیاق این آیه می‌رساند که خشوع در مقابل پرودگار از لوازم علم است و هرگز از آن جدا نمی‌شود و بر همین اساس که خشوع از علم واقعی جدایی پذیر نیست این روایت بنا شده است و سایر اخبار نیز بر همین مضمون دلالت دارند.

در ادامه مرحوم علامه می‌فرماید: مقصود امام(ع) از این که فعل عالم تصدیق کننده‌ی قول اوست این است که اگر کسی یک علم و معرفت ثابت و مستقر در خود داشته باشد علمی که به همراه آن هوا و هوس نباشد چنین علمی صاحب خود را در مقابل خدا به تواضع و خشوع وا می‌دارد؛ یک معرفت ثابت و عمیق همان طور که صاحب خود را به اقرار کلامی و اعتراف به حق وا می‌دارد همان طور صاحب خود را به رفتار و عمل متناسب با گفتارش دعوت می‌کند و اگر کسی به چنین معنایی عالم شود روحیه‌ای در او پدیدار می‌شد که او را به اطاعت و فرمانبرداری از خدای متعال در زبان و عمل وادار می‌کند.

امروز سه شنبه است و از باب تیمن روایتی در باب فضیلت علم بیان شد فردا چهارشنبه است و طبق روالی که چهارشنبه‌ها داشتیم بحث اخلاقی مطرح خواهیم کرد و موضوع بحث ما نیز توضیح و تفسیر همین آیه کریمه و روایتی است که امروز بیان شد، از شما برادران تقاضای دعای خیر دارم ما هم در مظانّ اجابت دعا، شما را از دعای خیر فراموش نخواهیم کرد.

وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

1. [سوره فاطر/آیه28](https://lib.eshia.ir/17001/1/437/28). [↑](#footnote-ref-1)
2. [مرآة العقول، علامه مجلسی، ج1، ص118، باب صفة العماء، ح2، دار الکتب الإسلامیة](https://lib.eshia.ir/71429/1/118/الحارث). [↑](#footnote-ref-2)
3. [مرآة العقول، علامة مجلسی، ج1، ص118، دار الکتب الإسلامیة](https://lib.eshia.ir/71429/1/118/الثاني). [↑](#footnote-ref-3)